

پی‌نوشت‌ها

1. *Une aussi longue absence*

۲. Thalidomide؛ دارویی آرام‌بخش که مصرف آن در دوره بارداری به نقص عضو نوزاد می‌انجامد. این دارو قبل از ممنوعیت باعث نقص عضو ده هزار نوزاد شد.

۳. نویسنده کتاب آقای پروست. مادام دوگرمانت هم از شخصیت‌های در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته است.

4. *Le Martyre d'une femme*

5. *Thérèse Raquin*

6. *Babybotte*

۷. قهرمان کتاب بربادرفته

۸. شخصیت رمان اولیس اثر جیمز جویس

۹. دختر بچه ده‌ساله انگلیسی که با خانواده‌اش در فرانسه به قتل رسید.

۱۰. جمله‌ای از کتاب سن عقل اثر ژان پل سارتر

11. *in illo tempore*

۱۲. کشیش و معلم اخلاق فرانسوی که جمله ذکرشده کنایه ولتر به اوست.

۱۳. جمله‌ای است از مادام دواستال.
۱۴. با کمی تغییر، برگرفته از جلد دوم در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته: «بهترین بخش یاد ما در بیرون از ماست، در نسیمی بارانی، در بوی نای اتاکی...» (با ترجمه مهدی سبحانی).
۱۵. در این جمله با جابه‌جایی حرف اول کلمات کندوکاو (fouilles) و جعبه‌ها (caisses) جمله معنای بی‌ادبانه‌ای پیدا می‌کند.
۱۶. بخشی از ترانه‌ای از ژاک الیان با عنوان «طلسم خوش‌شانسی» (Le porte-bonheur)
۱۷. بخشی از ترانه‌ای از دالیدا با عنوان «داستان یک عشق» (Histoire d'un amour)
۱۸. مربوط به یک بازی است که باید از طریق پرسیدن سؤالاتی که پاسخشان آره و نه است کلمه درست را حدس زد. «فلان» (tirliporter) و «بهمان» (schmilblick) به ترتیب فعل و اسمی ابداعی هستند که در سؤالات مذکور جایگزین کلمه مجهول می‌شوند.
۱۹. به دلیل اینکه در زبان فرانسه کلمات هنگام تلفظ ممکن است به هم بچسبند، گاهی شنونده کلمه‌ای را به صورت جمله می‌شنود یا برعکس. در اینجا، جمله چنین هم به گوش می‌رسد: اگر تو یک میز پایه دار هستی.
۲۰. این جمله چنین هم به گوش می‌رسد: آژاکسیو مرکز جزیره کرس است.
۲۱. پین سوم، کهنتر یا کوتاه‌قامت (bref) نخستین پادشاه دودمان کارولژی است. نکته اینجا است که لقب او امروز نه به معنای کوتاه‌قد که به معنای خلاصه و مختصر است.
۲۲. جمله‌ای است که در آن، اسم نهنگ، ماهی عنبر و دلفین شنیده می‌شود که در اینجا ناقص آمده؛ در واقع طراحی شده

تا بچه‌ها راحت تر اسم این سه آبی را به خاطر بسپارند. اما نکته‌ همه جملات که به شکلی غلط در اینجا آمده‌اند انگشت گذاشتن بر همین بی‌معنا شدنشان است.

23. da svidania, ya tebia lioubliou karacho

۲۴. بخشی از شعری به اسم حوا از شارل پگی

25. *Quand passent les cigognes*

26. *Marianne de ma jeunesse*

۲۷. طالع‌بین فرانسوی

۲۸. جمله‌ای از شارل برنار رنوویه، فیلسوف قرن نوزدهم

29. S. Inf.re

۳۰. ۷2؛ اولین نمونه از موشک‌های بالستیک ساخت آلمان

۳۱. به گرمای حاصل از بمب اتمی اشاره دارد. معادل بیش از پنج هزار درجه سانتی‌گراد.

۳۲. جاده‌ای است در شمال فرانسه، که در جنگ جهانی اول محل وقوع سه نبرد بود.

۳۳. خون‌بارترین نبرد و به نوعی نقطه عطف جنگ جهانی اول که با پیروزی فرانسوی‌ها پایان یافت. فرمانده آنها در این نبرد مارشال پتن بود.

۳۴. تاریخ امضای پیمان ترک مخاصمه بین متفقین و آلمان

۳۵. جنگ بین فرانسه و پروس که با شکست ناپلئون سوم به پایان رسید.

36. *Ah le petit vin blanc*

37. *Fleur de Paris*

۳۸. بخشی از ترانه گل پاریس

۳۹. *retraite aux flambeaux*؛ اشاره به مراسمی که در روز چهارده ژوئیه، روز ملی فرانسه، برگزار می‌شود.

40. *balle au mur*

۴۱. *Front populaire*: ائتلافی است از احزاب چپ که از ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ بر فرانسه حکومت کرد.

42. *Le Grand Rouquin*

43. *L'Hirondelle du faubourg*

۴۴. ترجیع‌بند یک ترانه

45. *Étoile des neiges*

۴۶. سرودی است مخصوص کریسمس

۴۷. شعری از آنری موزر

48. *Cinémonde*

49. *Pas si bête*

50. *Bibliothèque Verte*

51. *La Semaine de Suzette*

۵۲. رئیس‌جمهور فرانسه از ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۴

۵۳. *Pierrot le fou*: نام مستعار پیر لوتزل، گانگستر فرانسوی که در ۱۹۴۶ در جریان سرقت از جواهرفروشی کشته شد.

۵۴. در ۱۹۴۹ متهم شد که سیزده نفر از نزدیکانش را مسموم کرده است. او بعد از محاکمه‌ای طولانی بالاخره تبرئه شد.

۵۵. شرکت تایرسازی

56. *Chez nous soyez reine*

۵۷. *Connaissance du monde*: تشکیلاتی بود که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت و کنفرانس‌هایی بر پایه عکس و فیلم مستند برگزار می‌کرد.

58. *Sélection du Reader's Digest*

59. *Constellation*

60. *Fandango du pays basque*

61. *Montagnes d'Italie*

62. *dernières nouvelles de demain*

۶۳. jeudi saint؛ جشنی در پنجشنبه قبل از عید پاک به یاد شام
آخر مسیح

64. *Bibi Fricotin*

65. *L'Écho de la mode*

۶۶. دختری دوازده ساله که در ۱۹۰۲ به دست همسایه اش که قصد
داشت به او تجاوز کند به قتل رسید و بعدها قدیس اعلام شد.

67. *Bécassine*

68. *Les Patins d'argent*

۶۹. نام مستعار مترجم کتاب اسکیت های نقره ای در فرانسه که
کتاب را به نوعی بازنویسی کرده بود.

70. *Monsieur Vincent*

71. *Le Grand Cirque*

72. *La Bataille du rail*

73. *Nous deux*

74. *Confidences*

75. *Intimité*

۷۶. Bourjois؛ املاي مارک بورژوا با بورژوا به عنوان شخصی از
طبقه بورژوازی (bourgeois) فرق دارد. ترجمه تحت الفظی
این شعار تبلیغاتی می شود: بورژوا با یک ژ مثل شادی.

۷۷. Formica؛ شرکت تولیدکننده ماده کامپوزیت که اسمش را به
تولیدات اولیه اش یعنی لمینت پلاستیکی یا کاغذی داده است.

۷۸. کلاس سوم راهنمایی

79. Pinder

۸۰. از ترانه ای به اسم *Mambo Italiano*

۸۱. از ابتدای قرن بیستم، اداره پست این تقویم‌های دیواری را به مشتری‌ها می‌داد. بعدها به شکل سالنامه درآمد.

۸۲. communion solennelle؛ مراسمی است در کلیسای کاتولیک برای نوجوانان حدوداً دوازده‌ساله.

۸۳. مدرکی که پس از آموزش اولیه، حدود سیزده‌سالگی، به دانش‌آموز داده می‌شد.

۸۴. sixième؛ اولین سال دبیرستان

85. *Le Médecin malgré lui*

86. *Les Fourberies de Scapin*

87. *Les Plaideurs*

88. *Les Pauvres Gens*

۸۹. کلاس دوم راهنمایی

90. *Le Cid*

۹۱. Malet-Isaac؛ کتاب‌های درسی تاریخ مدارس فرانسه که آن را آلبر ماله و ژول ایزاک در اوایل قرن بیستم تألیف کرده‌اند.

۹۲. Carpentier-Fialip؛ اسم دو نویسنده کتاب درسی

۹۳. rosa rosam؛ به حالت فاعلی و مفعولی اسم در لاتین اشاره دارد.

۹۴. از نمایشنامه هوراس، نوشته پیر کورنی. از ترجمه محمدعلی معیری استفاده شده است.

۹۵. سؤالات مربوط به ریاضی است درباره ساعت حرکت قطارها.

۹۶. مدرکی است که در ازای گذراندن آزمونی به دانش‌آموز داده می‌شود که در چهارده‌پانزده‌سالگی در آن شرکت می‌کند.

۹۷. Pigier؛ مدرسی خصوصی برای آموزش مشاغل بینارشته‌ای همچون حسابداری و منشیگری و...

۹۸. Vaillant؛ هفته‌نامه‌ای مصور با گرایش کمونیستی

۹۹. *Ames vaillantes*؛ هفته‌نامه‌ای با گرایش کاتولیکی
۱۰۰. *Pionniers*؛ اردوهای با گرایش کمونیستی
۱۰۱. *Guides*؛ اردوهای پیشاهنگی مخصوص دختران
۱۰۲. *Jeannettes*؛ اردوهای با گرایش مذهبی
۱۰۳. *Francs et Franches Camarades*؛ جنبش آموزش عمومی که از ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۷ تداوم داشته
۱۰۴. *Youkaïdi Youkaïda*؛ ترجیع‌بند ترانه‌ای کودکان در حال و هوای پیشاهنگی. کلمات اصواتی هستند که بر شادی دلالت می‌کنند.
105. *La Vie catholique*
106. *L'Humanité*
107. *Caroline chérie*
108. *Manina la fille sans voiles*
109. *La Rage au corps*
۱۱۰. ماده‌ای شیمیایی است که در طب سنتی از آن به عنوان آرام‌بخش استفاده می‌شود.
111. *Club des Chansonniers*
۱۱۲. *Crochet*؛ حلقه‌ای است که به نخ بسته شده و از چوبی آویزان است. باید طوری رهاش کرد که به قلاب روبه‌رویش گیر کند.
۱۱۳. *Quitte ou double*؛ شرطی است که در نتیجه آن کسی که تا آن لحظه برنده بوده مقدار بردش را دو برابر می‌کند یا آنچه را که برده می‌بازد.
۱۱۴. شخصیت داستانی مضحک و اسنوب و ساده‌لوح مخلوق ژاک شازو
115. *Europe n° 1*

- 117. *Les Gens de Mogador*
- 118. *Afin que nul ne meure*
- 119. *Ma cousine Rachel*
- 120. *La Citadelle*
- 121. *La Strada*
- 122. *Le Défroqué*
- 123. *Les Orgueilleux*
- 124. *La Mousson*
- 125. *La Belle de Cadix*
- 126. *Les Enfants de l'amour*
- 127. *Le Blé en herbe*
- 128. *Les Compagnes de la nuit*

۱۲۹. شهری در ویتنام که جنگ اول هندوچین بین فرانسه و نیروهای کمونیست در ۱۹۵۴ در آنجا اتفاق افتاد.

۱۳۰. از ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۵ نخست وزیر فرانسه بود. او بانی توزیع شیر در مدارس برای مبارزه با سوء تغذیه کودکان بود.

۱۳۱. کشیشی که در زمان جنگ جهانی دوم عضو نهضت مقاومت فرانسه بود.

132. Toussaint

133. *Cueillons la rose sans la laisser flétrir*

۱۳۴. *cités d'urgence*؛ شهرک‌هایی که در دهه ۱۹۵۰ برای رفع فوری مشکل مسکن ساخته می‌شدند.

۱۳۵. *zazous*؛ خرده‌فرهنگی که مشخصه‌اش لباس‌های خاص، عشق به موسیقی جاز و زندگی آمریکایی بود و در طول جنگ جهانی دوم در فرانسه باب شد.

۱۳۶. *Rappelle-toi, Barbara*: شعری است از ژاک پره‌ور دربارهٔ اندوه شاعر بابت خرابی‌های جنگ.
۱۳۷. اشاره به نقشهٔ هندوچین دارد که بعد از فروپاشی به سه کشور ویتنام، کامبوج و لائوس تقسیم شد.
۱۳۸. *fellaghas*: کلمه‌ای عربی (الفلاقه) که اشاره به گروه‌های مسلح ضداستعمار فرانسه در شمال آفریقا دارد.
۱۳۹. بخشی از ترانه‌ای طنز مربوط به سربازان فرانسوی در الجزایر
140. *Parlez-moi d'amour*
141. *Ma grand-mère était cow-boy*
142. *Cinna*
۱۴۳. *Pro Milone*: یا «برای میلون»، خطابه‌ای از سیسرون
144. *Et Dieu créa la femme*
145. *Je suis un voyou*
146. *La Première Fille*
147. *Bonjour tristesse*
148. *Le Pays du sourire*
149. *Les Amants d'un jour*
۱۵۰. *de morpionibus*: تصنیفی حماسی از تئوفیل گوتیه دربارهٔ مبارزه برای کشتن شپش‌های موی زهار
۱۵۱. جمله‌ای از الکساندر دوم (پسر)
152. *La Sorcière*
153. *Un jour tu verras*
۱۵۴. نام پزشکی ژاپنی است که در اوایل قرن بیستم روشی برای محاسبهٔ چرخهٔ قاعدگی ابداع کرد.
155. *La Prise de la smala d'Abd el-Kader*
156. *Dormeur du val*

۱۵۷. Bab el-Oued؛ محله‌ای در پایتخت الجزایر که محل زندگی فرانسوی‌هاست.

158. *Polyeucte*

۱۵۹. کسانی که می‌خواهند با خودرو از فرانسه خارج شوند باید حرف اف را روی پلاک خود بچسبانند.

۱۶۰. پیر پوژاد؛ سیاستمدار پوپولیست راست‌گرا که حزب او در انتخابات ۱۹۵۶ کرسی‌های زیادی به دست آورد.

۱۶۱. در ۱۹۵۸ رخ داد و هدف از آن جلوگیری از استقلال الجزایر بود. به‌طور غیرمستقیم باعث پایان جمهوری چهارم و آغاز جمهوری پنجم در فرانسه شد.

۱۶۲. شارل دوگل که بعد از شکست فرانسه به لندن گریخته بود، در این تاریخ از طریق رادیو بی‌بی‌سی با مردم فرانسه سخن گفت و آنها را به مقاومت فراخواند. این سخنرانی به‌عنوان انگیزه مقاومت شناخته می‌شود، اما بعدها معلوم شد عده کمی از مردم فرانسه آن را شنیده بودند.

۱۶۳. محل زندگی شارل دوگل در شمال شرقی فرانسه

۱۶۴. *Lagarde et Michard*؛ مجموعه کتاب‌های درسی ادبیات فرانسه، شامل زندگی‌نامه و منتخبی از متون

۱۶۵. دومین سال دبیرستان

166. *Le Pont de la rivière Kwai*

۱۶۷. bac؛ این کلمه هم به معنی دیپلم است هم لنج. فعل جمله به دو معنای امتحانی را گذراندن و از جایی گذشتن است.

۱۶۸. Côte d'Azur؛ خطی ساحلی در جنوب شرقی فرانسه

169. *Pirouette cacahouète*

170. *Elle n'a dansé qu'un seul été*

۱۷۱. بخشی از ترانه‌ای به اسم دیروز بود (C'était hier)

172. *Only You*

۱۷۳. از اصطلاحات کانت است و به اصول اخلاقی جهان‌شمولی اشاره دارد که اخلاق حکم می‌کند بی‌قید و شرط انجام شوند.

۱۷۴. Hypokhâgne؛ دورهٔ دو سالهٔ آمادگی برای آزمون ورودی بخش ادبیات مدرسهٔ عالی تربیت معلم پاریس

175. *Poussière*

۱۷۶. *Poètes d'aujourd'hui*؛ عنوان مجموعه کتابی است که هریک به شاعری اختصاص دارد.

۱۷۷. بخشی از شعری از گیوم آپولینر

۱۷۸. بازیگر فرانسوی؛ اشاره به مرگ زود هنگام او در سی و هفت سالگی

۱۷۹. *maisons de la culture*؛ مراکزی که به ابتکار آندره مالرو در ۱۹۶۱ دایر شد.

180. *Rémi et Colette*

181. *Salut les copains*

182. *Âge tendre et tête de bois*

۱۸۳. OAS؛ سازمانی سری متشکل از نظامیان و شهروندان فرانسوی مقیم الجزایر که مخالف استقلال این کشور بودند.

۱۸۴. به ترور نافرجام شارل دوگل، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، در ۱۹۶۲ در پتی‌کلامار واقع در حومهٔ پاریس اشاره دارد.

۱۸۵. *putsch des généraux*؛ به کودتای شکست‌خورده‌ای اشاره دارد که در ۱۹۶۱ چهار ژنرال فرانسوی در الجزایر سازماندهی‌اش را بر عهده داشتند. این کودتا که به «کودتای ژنرال‌ها» معروف است هدفش ناکام گذاشتن استقلال الجزایر بود.

۱۸۶. FLN؛ حزبی در الجزایر که در ۱۹۵۴ شکل گرفت.

۱۸۷. اشاره به کشتار ۱۹۶۱ پاریس که طی آن پلیس به تظاهرات حدود ۳۰۰۰۰ الجزایری حامی جبهه آزادی بخش ملی حمله کرد. پلیس در آن زمان مدعی شد فقط سه نفر کشته شده‌اند، اما حدود چهل سال بعد مرگ چهل نفر را پذیرفت.

۱۸۸. توافقی در ۱۹۶۲ برای استقلال الجزایر پس از ۱۳۲ سال ۱۸۹. *pieds-noirs*؛ فرانسوی‌ها و دیگر اروپایان متولد الجزایر که عمدتاً پس از استقلال کشور را ترک کردند.

۱۹۰. *harkis*؛ سربازان الجزایری که در طول جنگ استقلال برای فرانسه جنگیده بودند. هزاران نفر از آنها به‌رغم توافقات اوپان به جرم خیانت کشته شدند.

۱۹۱. دن‌کاملوی کشیش و پپونه کمونیست شخصیت‌های کتاب‌هایی هستند به قلم جوانی گوارسکی، نویسنده ایتالیایی.

۱۹۲. JEC/UEC؛ جنبش دانشجویان مسیحی در مقابل انجمن دانشجویان کمونیست

۱۹۳. *L'Humanité/L'Aurore*؛ روزنامه لومانیته که در آن زمان حزب کمونیست فرانسه چاپش می‌کرد و لوزار نماینده راست میانه بود.

۱۹۴. سیاستمدار و مجری رادیو

۱۹۵. این همه‌پرسی در ۱۹۶۲ به پیشنهاد شارل دوگل برگزار شد و موضوع آن افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و انتخاب او با رأی مستقیم مردم بود.

196. *Cléo de cinq à sept*

197. *Hara-Kiri*

۱۹۸. سبک موسیقی پاپ که از اوایل دهه شصت میلادی در اروپای غربی- جنوبی پا گرفت و مقارن است با موسیقی بیت در انگلیس.

۱۹۹. *Hitler connais pas*؛ فیلمی است مستند از برتران بلیه،
محصول ۱۹۶۳.

۲۰۰. *Rapport Kinsey*؛ آلفرد کینزی دو کتاب دارد به اسم رفتارهای
جنسی در مردان (۱۹۴۸) و رفتارهای جنسی در زنان (۱۹۵۳).
در این کتاب‌ها که به گزارش‌های کینزی معروف هستند به
مسائلی پرداخته شده که تا قبل از آن تابو بودند.

201. *Temps humain*

۲۰۲. *mauvaise foi*؛ از اصطلاحات سارتر است. سایر کلمات
این پاراگراف نیز از آگزیستانسیالیسم آمده‌اند.

۲۰۳. جمله‌ای از زبان هملت، با ترجمهٔ م.ا. به‌آذین. این جمله و
جملهٔ بعد در کتاب به زبان انگلیسی آمده است.

۲۰۴. جمله‌ای از زبان مکبث، ترجمهٔ داریوش آشوری

۲۰۵. *Flambé*؛ در فرانسوی به معنی شعله‌ور شدن است و اشاره به
فرایند طبخ غذا دارد که با افزودن الکل به تابهٔ داغ حین
پختن غذا آن را مشتعل می‌کنند.

۲۰۶. *36 Chandelles*؛ این برنامه به معرفی هنرمندان و ورزشکاران
جوان می‌پرداخته است.

۲۰۷. هردو مجری تلویزیون‌اند.

۲۰۸. تهیه‌کنندهٔ تلویزیون. صحنه‌ای که به آن اشاره شده از برنامهٔ
Les Raisins verts است.

209. *Javanaise*

۲۱۰. دوچرخه‌سوار فرانسوی. نخستین دوچرخه‌سواری که پنج بار
برندهٔ مسابقات تور دو فرانس شده است.

211. *Lectures pour tous*

۲۱۲. به اعتصاب ۱۹۶۳ در فرانسه اشاره دارد که ۳۵ روز ادامه داشت.

۲۱۳. تقابل میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۶۲
در پی استقرار موشک‌های شوروی در خاک کوبا
۲۱۴. Unef؛ این نهاد منافع دانشجویان را نمایندگی می‌کند
و خود را بخشی از جنبش کارگری می‌داند و به حزب
سوسیالیست نزدیک است.
215. Sofinco
۲۱۶. au poivre؛ غذایی با گوشت گاو و فلفل و...
۲۱۷. chaîne hi-fi؛ های‌فای مخفف high fidelity به معنی
وفاداری به اصل، که به کیفیت بالای تولید صدا اشاره دارد.
۲۱۸. secrétaire؛ میزی است با کتسو و قفسه کتاب.
219. Lui
220. *Le Nouvel Observateur*
221. *Planète*
۲۲۲. دانشمند دیرینه‌شناس و کشیش یسوعی اهل فرانسه که
بیشتر کتاب‌هایش را کلیسا ممنوع کرده بود.
223. *Réflexions pour 1985*
224. *La Religieuse*
225. Nounours
۲۲۶. Tirlipot؛ مسابقه‌ای رادیویی
۲۲۷. *la minute de bon sens*؛ برنامه‌ای محافظه‌کارانه که
به خصوص رفتار بعضی جوانان را نقد می‌کرد.
228. *Le Bonheur*
229. *Les Chevaliers du ciel*
230. *Ma sorcière bien-aimée*
231. *Manège enchanté*

۲۳۲. بنیامین اسپاک؛ پزشک متخصص کودکان، که کتاب‌هایی در زمینه تربیت فرزند دارد.
۲۳۳. *Moulinex libère la femme*؛ شعار تبلیغاتی شرکت لوازم خانگی مولینکس است.
۲۳۴. *Le Deuxième Sexe*؛ عنوان کتابی از سیمون دوبوار
۲۳۵. *Elle*؛ مجله فرانسوی دربارهٔ مد و سلامت و سرگرمی و...
۲۳۶. مجموعه رمان پلیسی به قلم فردریک دار (Frédéric Dard) (۲۰۰۰-۱۹۲۱) که با همین اسم سن‌آنتونیو امضا می‌شد که نام پلیس داستان بود.
۲۳۷. *Français, je vous ai compris*؛ جمله‌ای از دوگل در ۱۹۵۸ در پاریتخت الجزایر، که به معنای پذیرش استقلال الجزایر بود.
۲۳۸. *Vive le Québec libre!*؛ جمله‌ای است از شارل دوگل، در ۱۹۶۷، در جریان سفر به کانادا. این جمله در حمایت از کبکی‌های حامی حاکمیت مستقل تلقی شد و نخست‌وزیر کانادا آن را محکوم کرد.
۲۳۹. *Le Canard enchaîné*؛ هفته‌نامه طنز فرانسوی
۲۴۰. گاستون دوفر؛ نامزد سوسیالیست انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۹ که با مندرس فرانس تشکیل «ائتلاف» دادند.
۲۴۱. سیاستمدار فرانسوی و عضو حزب سوسیالیست. وی، در دوران ریاست جمهوری فرانسوا میتران، نخست‌وزیر بود.
۲۴۲. *barbouzes*؛ افرادی مسلح که مخالف استقلال الجزایر بودند و در همین راستا اقداماتی هم می‌کردند، از جمله ترور، که ارتش و پلیس امکانش را نداشتند.
۲۴۳. فرانسوا موریاک؛ نویسنده، در ۱۹۵۲ نوبل ادبیات گرفت. او هوادار دوگل بود و زندگی‌نامه او را نوشت.

۲۴۴. از شخصیت‌های رمان سرنوشت بشر اثر آندره مالرو. این رمان درباره‌ی گروهی از کمونیست‌های انقلابی چینی است.

۲۴۵. سیاستمدار فرانسوی که در زمان جنگ جهانی دوم نهضت مقاومت فرانسه را رهبری کرد. در ۱۹۴۴ وزیر امور خارجه شد و جنبش جمهوری خلق را بنیاد نهاد. در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۵۰ نخست‌وزیر بود. به علت مخالفت با سیاست شارل دوگل در خصوص استقلال الجزایر از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۸ در تبعید به سر برد.

۲۴۶. سیاستمدار فرانسوی که از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۳ نخست‌وزیر این کشور بود.

۲۴۷. نخست‌وزیر اواخر دهه پنجاه که بانی جنگ در الجزایر بود.

۲۴۸. ضرب‌المثلی است در بازی بریج وقتی دست نه خیلی قوی باشد نه ضعیف.

۲۴۹. *L'Offrande musicale*؛ قطعاتی از یوهان سباستین باخ

۲۵۰. *Paravents*؛ در ۱۹۶۱ نوشته شده و در ۱۹۶۶ برای اولین بار اجرا شد. ژان ژنه در این نمایشنامه تصویری از ارتش فرانسه ارائه می‌دهد که به مذاق ملی‌گرایان خوش نمی‌آید.

251. Capes

۲۵۲. شهرکی در لندن

253. *Anniversaire*

254. *Les Années-Lumière*

۲۵۵. روزنامه‌نگار فرانسوی که سردبیر اکسپرس و لوموند بوده است.

۲۵۶. فروشگاهی زنجیره‌ای در فرانسه

۲۵۷. زمان عید پاک را حرکات ماه تعیین می‌کند و بین ۲۳ مارس تا ۲۵ آوریل متغیر است.

258. *Élise ou la vraie vie*

259. *Candide*

۲۶۰. محله‌ای که دانشگاه سوربن و بسیاری دانشگاه‌های دیگر در آن قرار دارند و در ۱۹۶۸ محل جنبش‌های اعتراضی دانشجویان بود.

۲۶۱. رمان‌نویس و روزنامه‌نگار. او مجری مصاحبه‌های تلویزیونی دوگلد بود.

۲۶۲. chienlit؛ دوگلد در یک سخنرانی در مه ۶۸ می‌گوید «اصلاحات آری، شلوغ‌بازی نه» اما بخش دوم کلمه‌ای قدیمی و نامتداول است که طور دیگری نیز شنیده می‌شود: «خرابکاری توی تخت نه»، کلمه «سگ» هم از آن شنیده می‌شود.

۲۶۳. Grenelle؛ محله‌ای است در پاریس. در ۲۵ و ۲۶ مه ۶۸ تمام بازیگران سیاسی در کنفرانسی در وزارت کار واقع در خیابان گرونل به توافقی دربارهٔ دستمزد، سن بازنشستگی، هفته‌های کاری و... رسیدند که نام همین خیابان بر آن ماند. حالا نیز به مذاکرات سیاسی فراگیر گرونل گفته می‌شود.

۲۶۴. ورزشگاهی در پاریس که در ۲۷ مه ۱۹۶۸ «اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه» در آنجا نشستی برگزار کرد که ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر در آن شرکت کردند. جمعیت به رهبری پیر مندس فرانس و میشل روکار فریاد می‌زدند «این تازه آغاز راه است، بیایید مبارزه را ادامه بدهیم».

۲۶۵. مجمع ملی (Assemblée)، به همراه مجلس سنا، دو مجلس پارلمان فرانسه هستند.

۲۶۶. به دستور رئیس‌جمهور شارل دوگلد در ۳۰ مه هر دو مجلس فرانسه برای پایان دادن به وقایع مه ۶۸ منحل شدند و در

انتخابات بعدی احزاب چپ شکست خوردند. دوگل روز قبلش نطقی چهاردقیقه‌ای کرد. روز بعد هواداران او به خیابان ریختند.

۲۶۷. از هواداران دوگل که در هنگام وقایع ماه مه وزیر بود.

۲۶۸. CGT؛ کنفدراسیونی از اتحادیه‌هاست.

۲۶۹. زنی که به دلیل رابطه با شاگرد شانزده‌ساله‌اش محاکمه شد. شروع رابطه آنها در تظاهرات مه ۶۸ بود و دو سال بعد، در پی تعقیب و گریزهای قضایی و اخراج از دانشگاه، به خودکشی زن انجامید.

۲۷۰. قانون ضد خرابکاری (loi anticasseurs) در ۱۹۷۰ علیه تخریب اموال عمومی و حمله به پلیس و... تصویب شد و هدفش محدود کردن تظاهرات خیابانی بود.

۲۷۱. حزب سوسیالیست متحد (PSU) در ۱۹۶۰ با به هم پیوستن سه گروه تأسیس شد. گروهی که از حزب کمونیست فرانسه به دلیل مخالفت با حمله شوروی به مجارستان جدا شده بود و دو گروه دیگر از حزب بین‌المللی کارگران فرانسه جدا شده بودند. برخلاف حزب کمونیست که با اعتصابات کارگری موافق بود اما با جنبش دانشجویی نه (چراکه رهبران انقلاب دانشجویی عموماً از میان تروتسکیست‌ها، مائوئیست‌ها و آنارشیست‌ها بودند)، حزب سوسیالیست متحد از قیام دانشجویی مه ۶۸ دفاع کرد.

272. *Tel Quel*

273. *Les Héritiers*

۲۷۴. Bruay-en-Artois؛ پرونده‌ای جنایی در منطقه‌ای به همین نام در شمال فرانسه، مربوط به قتل دختر نوجوانی از طبقه فرودست در اوایل دهه هفتاد. متهمان یک سردفتر

و معشوقه‌اش بودند که تبرئه شدند. از نظر گروه‌های چپ این پرونده نمادی از فقدان عدالت طبقاتی بود.

۲۷۵. *transfuge de classe*: تغییر طبقه، در نتیجه ازدواج، اشتغال و...

۲۷۶. فعال کارگری که در دهه هفتاد، در ماجرای «لیپ» به نام جنبش خودگردانی کارگری بدل شد.

۲۷۷. *Lip*: کارخانه تولیدکننده ساعت. در ۱۹۷۳ اعلام ورشکستگی کرد که در نتیجه آن کارگران کنترل اوضاع را به دست گرفتند. شعار آنها این بود: «تولید می‌کنیم، می‌فروشیم و خودمان حقوق خودمان را می‌دهیم.» کارخانه بالاخره در ۱۹۷۷ منحل شد.

۲۷۸. منظور شرکت سوئسی تولیدکننده کالاهای لوکس چون ساعت و جواهر است که نام آن هم پیازه است.

۲۷۹. *isotopies*: اصطلاحی است در زبان‌شناسی و به تکرار ریزمعناها در متن اشاره دارد.

۲۸۰. سلسنتین فرنه؛ بنیان‌گذار روش مدرن تعلیم و تربیت در فرانسه. از روش‌های او تشویق به کار جمعی، تهیه نشریه، برگزاری کلاس در طبیعت و... است.

۲۸۱. *Pilote*: مجله طنز فرانسوی

282. *Les Petits Enfants du siècle*

۲۸۳. مجری برنامه هوشناسی رادیو

۲۸۴. *Kiri le Clown*: مجموعه انیمیشن فرانسوی

285. *Une minute pour les femmes*

۲۸۶. کارگر کارخانه رنو و فعال مائوئیست که به دست نگهبانان کارخانه در ۱۹۷۲ کشته شد. مرگ او به اعتراضات خیابانی

گسترده‌ای انجامید. در مراسم تشییع او سارتر و فوکو نیز حضور داشتند.

۲۸۷. judéo-crétins؛ بازی با کلمهٔ یهودی - مسیحی (judéo-chrétien) است.

288. *Parents*

۲۸۹. ژان کارپانتیه جزوهٔ یادشده را با عنوان یادگیری عشق ورزیدن در ۱۹۷۱ در دبیرستان‌ها توزیع کرد و در نهایت محاکمه شد.

290. *Techniques de l'amour physique*

۲۹۱. MLF؛ این جنبش در ۱۹۷۰ پس از آن به وجود آمد که دوازده نفر از فعالان زن در میدانی در پاریس برای همسر سرباز گمنام مراسم بزرگداشت برگزار کردند: «گمنام‌تر از سرباز گمنام هم وجود دارد: همسرش». از خواسته‌های اصلی این جنبش حق سقط جنین است.

۲۹۲. *Le torchon brûle*؛ نشریه‌ای که جنبش آزادی زنان در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ در شش شماره منتشر کرد. هر شماره از آن را تیم مستقلی تولید می‌کرده تا تنوع دیدگاه‌ها در جنبش را نمایندگی کنند و بیشتر مقالات نیز به شکل جمعی نوشته می‌شد.

293. *La Femme eunuque*

294. *La Politique du mâle*

295. *La Création étouffée*

۲۹۶. جمله‌ای است از ایرینا دان، نویسنده و سیاستمدار استرالیایی، که به واسطهٔ گلوریا استاینم سر زبان‌ها افتاد.

۲۹۷. اشاره به بیانیه‌ای دارد که ۳۴۳ زن فرانسوی در آن اقرار کردند که سقط جنین کرده‌اند و از این طریق خود را در معرض تعقیب قضایی قرار دادند. متن بیانیه را سیمون دوبوار نوشت

- و زنان سرشناسی چون مارگریت دوراس، کاترین دونو و...
آن را امضا کردند و در ۱۹۷۱ در نوول ایزرواتور چاپ شد.
۲۹۸. *Histoires d'A*؛ فیلمی مستند، محصول ۱۹۷۳، در دفاع از
حق سقط جنین و پیشگیری از بارداری
۲۹۹. هاروی کارمان؛ روان‌شناس آمریکایی. او سوند منعطفی
طراحی کرد که از آن برای مکش داخل رحم استفاده می‌شد.
این روش در ۱۹۷۱ در آمریکا پذیرفته شد و یک سال بعد
به فرانسه رسید و آمار مرگ و میر در اثر سقط جنین خارج
بیمارستان را بسیار کم کرد. گویا سهولت و گسترش این روش
در قانونی شدن سقط جنین بی‌تأثیر نبوده است.
۳۰۰. *faiseuses d'anges*؛ قابله‌هایی که به شکل غیرقانونی بچه
سقط می‌کردند. دلیل نام‌گذاری اعتقادی است مبنی بر اینکه
بچه‌های بی‌گناه پس از مرگ فرشته می‌شوند.
۳۰۱. *Les porteurs de valises*؛ فرانسوی‌هایی که در طول جنگ
الجزایر با حمل پول و مدارک جعلی به جبهه آزادی‌بخش
ملی کمک می‌کردند.
۳۰۲. وکیل و فمینیست فرانسوی تونسی که در ۱۹۷۲ وکالت دختری
هفده‌ساله را به عهده گرفت که جنین خود را که حاصل
تجاوز بود به کمک مادرش و سه زن دیگر سقط کرده بود.
حلیمی در جمع ۲۵۰ نفری که بیرون دادگاه گرد آمده بودند
گفت ما ممنوعیت سقط جنین را به محاکمه کشیدیم.
۳۰۳. از اعضای جنبش آزادی‌بخش ملی الجزایر که اتهامش
بمب‌گذاری در رستورانی در الجزایر بود. بعد از دستگیری،
شکنجه شده بود و سربازان فرانسوی به او تجاوز کرده
بودند. وکالت او را ژیزل حلیمی به عهده داشت و به‌همراهی

سیمون دوبوار و چند نفر دیگر به بوپاشا کمک کردند شرح حالی بنویسد که در ۱۹۶۲ چاپ شد. او که در ابتدا به اعدام محکوم شده بود، با استقلال الجزایر، از زندان آزاد شد.

۳۰۴. *Laissez-les vivre*؛ انجمنی که در ۱۹۷۱ برای کمک به زنان باردار تأسیس شد. اقداماتش در جهت مخالفت با سقط جنین بود.

۳۰۵. ژروم لوژن، استاد دانشگاه و پزشکی که در دوران مه ۶۸ حاضر به همراهی با دانشجویان و لغو امتحانات نشد. بعدها از طریق شرکت در برنامه‌های تلویزیونی و جمع کردن امضا و... با انجام غربالگری و هرگونه سقط جنین مخالفت می‌کرد.

۳۰۶. حکومت ویشی به دولت فرانسه بین ۱۹۴۰ (شکست از آلمان نازی) و ۱۹۴۴ (آزادسازی فرانسه به دست متفقین و نیروهای مقاومت) به رهبری مارشال پتن گفته می‌شود که بر بخش جنوبی اشغال نشده و مناطقی از مستعمرات فرانسه تسلط داشت.

۳۰۷. به گروهی از مائوئیست‌های فرانسوی اشاره دارد که به امید تشکیل هسته‌های انقلابی به میان کارگران می‌رفتند و با آنها کار می‌کردند.

۳۰۸. شهری ساحلی در تونس

۳۰۹. *Fluide glacial*؛ مجله داستان مصور

۳۱۰. *L'Écho des savanes*؛ مجله داستان مصور

۳۱۱. *Tankonalasanté*؛ نشریه انتقادی فرانسوی

۳۱۲. *Métal hurlant*؛ مجله داستان مصور

۳۱۳. *La Gueule ouverte*؛ نشریه فرانسوی

۳۱۴. عکسی سیاه‌وسفید از دخترکی برهنه که همراه تعدادی دیگری در حال فرار از روستایی در ویتنام است که بمب حاوی ناپالم بر آن افتاده است.

۳۱۵. گیاه‌درمانگر فرانسوی

316. Le Grand Magic Circus

۳۱۷. *Emmanuelle*؛ فیلمی اروتیک، محصول ۱۹۷۴

318. *Cinquante millions de consommateurs*

319. *ratatouille niçoise*

۳۲۰. *expression corporelle*؛ از اواخر دهه ۶۰ میلادی ظاهر شد و چیزی است مابین رقص و ورزش

321. *antigymnastique*

۳۲۲. *méthode Mézières*؛ تکنیک توان‌بخشی است به ابداع مزیر فیزیوتراپ، که با هدف رفع تنش عضلانی و اصلاح انحرافات ستون فقرات انجام می‌شود.

۳۲۳. *méthode Rogers*؛ روان‌شناس آمریکایی، کارل راجرز، نظریه او در روان‌درمانی روان‌درمانی شخص‌محور خوانده می‌شود.

۳۲۴. متخصص زنان و زایمان فرانسوی که با کتابش با نام تولد بدون خشونت در سال ۱۹۷۴ روش‌های زایمان ملایم را گسترش داد، به‌ویژه عمل غوطه‌وری نوزاد تازه‌متولدشده در آب گرم و اینکه نوزاد را روی شکم مادر بگذارند.

۳۲۵. مهندس کشاورزی و هوادار محیط‌زیست

۳۲۶. *thérapie de groupe*؛ روشی است برای روان‌درمانی که بیماران زیر نظر یک یا چند درمانگر به شکل گروهی درمان می‌شوند و بر تعامل میان اعضای گروه تأکید می‌شود.

327. *Comme un arbre dans la ville*

۳۲۸. *Duerme negrito*؛ به زبان اسپانیایی است و به معنی بخواب سیاه کوچولو، یک لالایی از آمریکای جنوبی.
۳۲۹. *Quilapayun*؛ گروه موسیقی شیلیایی که سال‌ها در فرانسه تبعید بودند. ویکتور خارا هم مدتی جزو آنها بود.
۳۳۰. شرکت تولیدکننده آب معدنی
۳۳۱. شعار تبلیغاتی همین آب‌میوه‌های گازدار است.
۳۳۲. نوعی دستگاه گرامافون قابل حمل مناسب برای کودکان
۳۳۳. *La Bonne du curé*؛ ترانه‌ای از آنی کوردی
۳۳۴. فروشگاه محصولات فرهنگی و الکتریکی

335. *Confidences*

۳۳۶. *Delly*؛ نام مشترک یک خواهر و برادر فرانسوی است که کتاب‌های عاشقانه می‌نوشته‌اند.
۳۳۷. در اول نوامبر ۱۹۷۰ حدود ساعت یک و نیم بامداد، یکی از شلوغ‌ترین سالن‌های رقص سن‌لورن دوپون در ایزر آتش گرفت و ۱۴۶ جوان که برای تماشای اجرای زنده موسیقی جمع شده بودند در آتش سوختند.
۳۳۸. *pétanque*؛ در این بازی گوی‌های فلزی را باید طوری پرتاب کنند که نزدیک هدف بیفتد، که گویی کوچک‌تر است و از جنس چوب.

339. *Quelqu'un*

۳۴۰. گاستون دوفر قرار بود، در صورت پیروزی، مهندس فرانس را نخست‌وزیر کند.
۳۴۱. *Comités d'action lycéens*؛ این کمیته‌ها در ۱۹۶۷ برای مخالفت با جنگ ویتنام راه‌اندازی شد، که در مه ۶۸ نقش مهمی در اعتراضات ایفا کردند.

۳۴۲. در ۱۹۷۲ در بازی‌های المپیک مونیخ گروه سپتامبر سیاه، که سازمانی فلسطینی بود، ورزشکاران تیم اسرائیل را گروگان گرفت که در طی آن هر یازده گروگان، پنج نفر از هشت گروگان‌گیر و یک افسر پلیس آلمان، کشته شدند.

۳۴۳. *junte*؛ شوراهاى نظامى که در پی کودتا از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ بر این کشور حکومت کردند.

۳۴۴. ریموند مارسلین در دولت پمپیدو بعد از مه ۶۸ وزیر کشور بود.

۳۴۵. *Votre argent m'intéresse*؛ تبلیغی است از بانک بی‌ان‌پی.

۳۴۶. *L'Union de la gauche*؛ ائتلافی به هدف تشکیل دولت مشترک که بین چند حزب چپ فرانسه در ۱۹۷۲ صورت گرفت.

۳۴۷. عنوانی که ژیسکار دستن به دولت خود می‌داد.

۳۴۸. وزیر بهداشت وقت که سقط‌جنین در دوران او قانونی شد.

۳۴۹. منظور سیمون وی (*Simone Weil*)، فیلسوف و عارف مسیحی، است.

۳۵۰. جوان بیست و دو ساله‌ای که به جرم قتل اعدام شد. او یکی از آخرین کسانی است که در فرانسه اعدام شد. در گناهکاری او تردید وجود دارد.

351. *Les Suceuses*

352. *La Petite Culotte mouillée*

353. *Les Valseuses*

۳۵۴. *ZUP*؛ بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۷ برای پاسخ‌گویی به نیاز مسکن توسعه داده می‌شد.

۳۵۵. *cuvette*؛ منظور حوضه‌ای رسوبی است که پاریس در مرکز آن است.

۳۵۶. سرژ رجیانی؛ بازیگر و خواننده. نوشیدن کافه کرم، که ترکیب اسپرسو و شیر است، در سن ژرمن اشاره به ترانه‌ای از او دارد.

۳۵۷. بلواری است در پاریس که از کارتیه لاتن می‌گذرد.

۳۵۸. جاده کمربندی دورتادور پاریس به طول ۳۵ کیلومتر که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ساخته شد.

۳۵۹. شرکت تولیدکننده مبلمان

۳۶۰. شرکت تولیدکننده مبلمان

۳۶۱. سن مکلو تولیدکننده زیرانداز است و در اینجا شعار تبلیغاتی‌اش ذکر شده است.

362. tour Bleue

۳۶۳. در حومه شهر پاریس واقع شده

۳۶۴. قصری تاریخی در شهری به همین نام در پنجاه کیلومتری شمال پاریس

365. *Le Petit Rapporteur*

366. *Hair*

۳۶۷. بزرگ‌ترین شهر ویتنام که در ۱۹۷۵ نیروهای ویتنام شمالی کمونیست آن را اشغال کردند و جنگ ویتنام به پایان رسید و نام این شهر نیز به هوشی مین تغییر کرد.

۳۶۸. نوردوم سیهانوک، پادشاه کامبوج، که در ۱۹۵۳ جنبش استقلال کامبوج از فرانسه را رهبری کرد. او در ۱۹۷۰ با کودتا از قدرت برکنار شد.

۳۶۹. Brigades rouges؛ سازمان چریکی چپ‌گرای مسلح که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در ایتالیا فعالیت می‌کرد.

۳۷۰. bande à Baader؛ از گروه‌های چپ‌گرای آلمانی. «فراکسیون

ارتش سرخ» یا «گروه بادر- ماینهوف» نیز نام‌های دیگر همین گروه است.

۳۷۱. Ulrike Meinhof؛ از بنیان‌گذاران فراکسیون ارتش سرخ

۳۷۲. nouveaux philosophes؛ فیلسوفانی که عمدتاً از میان چپ‌های مائوئیست برخاسته بودند، اما در اواسط دهه ۱۹۷۰ از جریان چپ جدا شدند.

۳۷۳. از نقد عقل عملی کانت

۳۷۴. *Le Jour du Seigneur*؛ برنامه تلویزیونی کاتولیک که صبح یکشنبه پخش می‌شود و بعد از اخبار قدیمی‌ترین برنامه تلویزیونی فرانسه است.

375. *Aujourd'hui madame*

376. *Les Visiteurs du mercredi*

377. *Le Monde merveilleux de Walt Disney*

۳۷۸. بچه هفت ساله‌ای که در ۱۹۷۶ به قتل رسید.

۳۷۹. صنعتگری بلژیکی که در ۱۹۷۸ ربوده و پس از حدود دو ماه بدون پرداخت باج آزاد شد.

۳۸۰. *À la pêche aux moules moules moules*؛ ترانه‌ای کودکانه

۳۸۱. Titi et Grosminet؛ شخصیت‌های یک مجموعه انیمیشن آمریکایی به نام تویییتی و سیلوستر

۳۸۲. فروشگاه‌های در فرانسه و جمله بعدی شعار تبلیغاتی این فروشگاه است و بعد از آن شوخی کلوش با این شعار.

۳۸۳. *Le Muppet Show*؛ مجموعه عروسکی

۳۸۴. بخشی از ترانه‌ای در برنامه مپت شو که بازی با کلمات است: می‌دانید چرا آدم‌های تندخو عصبانی می‌شوند؟ چون گوز آدم‌های نرم‌خو گرم است!

۳۸۵. جسد او در ۱۹۷۹ در صندلی عقب ماشینش پیدا شد.
۳۸۶. نخست‌وزیر ایتالیا که در ۱۹۷۸ بریگاد سرخ او را ربوده و پس از حدود پنجاه روز اسارت کشت.
۳۸۷. خواننده‌ای که در ۱۹۷۸ در سی‌ونه‌سالگی در اثر برق‌گرفتگی در حمام درگذشت.
۳۸۸. خواننده‌ترانه‌سرای فرانسوی آمریکایی (۱۹۸۰-۱۹۳۸)
۳۸۹. *L'Été indien*؛ ترانه‌ای از ژو دسن، ۱۹۷۵
۳۹۰. *coquilles Saint-Jacques*؛ نوعی صدف

391. *pommes dauphine*

۳۹۲. Bokassa؛ امپراتور آفریقای مرکزی که به والری ژیسکار دستن، زمانی که وزیر دارایی بود، قطعات الماس داده بود.
۳۹۳. *Hasard d'Estaing*؛ جزوه‌ای است که در ۱۹۷۶ در نقد دوره هفت ساله ژیسکار دستن چاپ شده است.
۳۹۴. هنرپیشه و کم‌دین فرانسوی است. کلوش قصد داشت در ۱۹۸۰ کاندید ریاست جمهوری شود، اما با افزایش فشار از طرف نامزدهای اصلی انصراف داد.
۳۹۵. یا بیون بوری تنیس باز سوئدی
۳۹۶. E123؛ رنگی خوراکی که از ۱۹۷۶ در آمریکا ممنوع شد؛ احتمال می‌رفت سرطان‌زا باشد.

397. *La Grande Bouffe*

398. *Manhattan*

۳۹۹. *Jeux de rôle*؛ نوعی بازی که فرد نقش شخصیتی خیالی را بازی می‌کند و می‌شود دور میز هم بازی‌اش کرد.
۴۰۰. *heroic fantasy*؛ ژانری در ادبیات

401. *Le Petit Nègre*

۴۰۲. Scrabble؛ بازی کلمه‌سازی با حروف روی صفحه مخصوص
403. *cohabitation juvénile*
404. *Une femme sous influence*
405. *Identification d'une femme*
406. *La Femme gauchère*
407. *La Femme fidèle*
۴۰۸. paradors؛ نوعی هتل در اسپانیا که از تغییر کاربری ساختمان‌های تاریخی ساخته می‌شود.
۴۰۹. tapas؛ پیش‌غذای اسپانیایی که در کنار مشروب سرو می‌شود.
۴۱۰. Sanfermines؛ جشنی است از ششم تا چهاردهم ژوئیه که یکی از بخش‌های آن راندن شش گاو در شهر به سمت محل گاو‌بازی است.
۴۱۱. شهری در اسپانیا که جشنواره‌های گاو‌بازی‌اش معروف است.
۴۱۲. grosses têtes؛ عروسک‌های گول‌پیکری که در جشن سن فرمین گردانده می‌شوند.
413. *Cría cuervos*
۴۱۴. منظور خشکسالی بین پاییز ۱۹۷۵ و تابستان ۱۹۷۶ است که بخش‌هایی از اروپا را فراگرفت.
415. *Wanda*
416. *Une histoire simple*
۴۱۷. بخشی از ترانه‌ای از کلوش در نقد تبلیغات
۴۱۸. اشاره به جمله‌ای از کلوش درباره حضورش در انتخابات: «پیش از من، فرانسه دوقطبی می‌شد، با من از خنده دولا می‌شود.»
۴۱۹. شعاری است مربوط به مه ۶۸ در پاسخ به تصمیم ژنرال دوگل برای انحلال مجلس و برگزاری انتخابات جدید.

۴۲۰. ۱۰ مه ۱۹۸۱، در ساعت هشت شب، نتایج انتخابات از طریق یک انیمیشن در تلویزیون اعلام شد: از بالا به پایین ردیف نقطه‌هایی ظاهر می‌شود که تصویری گرافیکی از میتران را شکل می‌دهد. این انتخابات به ۲۳ سال حکمرانی جناح راست پایان داد.
۴۲۱. فرانسوا میتران پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری به پانتئون رفت و بر مزار ژان ژورس و ژان مولن گل رز گذاشت.
۴۲۲. گورستان مشاهیر در کارتیه‌لاتن
۴۲۳. از بنیان‌گذاران حزب سوسیالیست فرانسه که مخالف جنگ جهانی اول بود و روز قبل از درگرفتن جنگ، فردی ناسیونالیست او را کشت.
۴۲۴. از اعضای اصلی جنبش مقاومت فرانسه در طول جنگ جهانی دوم
۴۲۵. *Temps des cerises*؛ سرودی است مربوط به کمون پاریس
۴۲۶. *Les Corons*؛ ترانه‌ای است از ۱۹۸۲ درباره زندگی و مبارزات معدنچیان شمال فرانسه.
۴۲۷. خواننده فرانسوی
۴۲۸. در ۱۹۸۱ محمدعلی آغجا، ملی‌گرای ترک، به پاپ تیراندازی کرد که فقط او را زخمی کرد.
۴۲۹. ژرژ مارشه؛ دبیرکل حزب کمونیست فرانسه از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۴
۴۳۰. آندره لاژوانی؛ از اعضای حزب کمونیست فرانسه
۴۳۱. نام مستعار ژان فرانسوا گالوت، بازیگر و کارگردان فرانسوی
۴۳۲. مبارز ایرلندی که در ۱۹۸۱ در اثر اعتصاب غذا در زندان درگذشت.
۴۳۳. یا فالکلند، مجمع‌الجزایری است در آمریکای جنوبی

که در ۱۹۸۲ بین بریتانیا و آرژانتین بر سر مالکیت آن جنگ درگرفت.

۴۳۴. ایو مونتان در ۱۹۸۴ برنامه‌ای را در تلویزیون اجرا کرد که سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولت در آن اعلام شد. روز بعد مطالب برنامه در لیبراسیون چاپ شد.

۴۳۵. تاجری که کتاب‌هایی دربارهٔ عالم تجارت دارد.

۴۳۶. کارآفرین و سیاستمدار و نویسنده

۴۳۷. بازیگر و تاجر و سیاستمدار و خواننده و مالک باشگاه ورزشی

۴۳۸. Solidarnosc؛ جنبش کارگری «همبستگی» که از ۱۹۸۰ در لهستان شروع شد.

۴۳۹. Les Restos du Cœur؛ مؤسسه خیریه‌ای است که کلوش در ۱۹۸۵ تأسیس کرد و وظیفه‌اش توزیع غذا بین نیازمندان است.

۴۴۰. روزنامه‌نگار فرانسوی که در ۱۹۸۴ در بیروت ربوده شد.

۴۴۱. کلمه‌های *meuf* و *tarpé* به ترتیب از کلمات *femme* و *pétard* به معنی زن و سیگار ماری‌جوانا ساخته شده‌اند که در ترجمه از دست رفته است.

۴۴۲. *Beur*؛ شکل تغییر یافته کلمه *arabe* است و به فردی اشاره دارد که والدینش از مهاجران شمال آفریقا هستند و خودش در فرانسه متولد شده است.

۴۴۳. *je parle la France*؛ جمله‌ای است غلط که فرانسوی ندانستن مهاجران را مسخره می‌کند.

۴۴۴. *Minitel*؛ یک سرویس آنلاین ویدئوتکس در فرانسه که از طریق تلفن کار می‌کرد و پیش از شبکه جهانی وب موفق‌ترین سرویس آنلاین جهان بود.

۴۴۵. Oric 1: نوعی کامپیوتر خانگی که در دهه ۱۹۸۰ در اروپا رایج شد.

446. *Les Enfants du rock*

447. *Les Nuls*

448. *Bonsoir les clips*

449. *Phosphore*

۴۵۰. bof génération؛ به متولدین بین ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ می‌گویند؛ همچنین بعدها به جوانان گریزان از سیاست می‌گفتند.

۴۵۱. Touche pas à mon pote؛ شعاری علیه نژادپرستی و به طور کلی همه اشکال تبعیض

۴۵۲. devoir de mémoire؛ به الزام اخلاقی به خاطر سپردن رویدادی تاریخی گفته می‌شود، با این هدف که اطمینان حاصل شود چنین رویدادی دیگر تکرار نمی‌شود.

۴۵۳. *Nuit et brouillard*؛ فیلم مستندی از آلن رنه، محصول ۱۹۵۶، درباره اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نازی

۴۵۴. شیمی دان و نویسنده ایتالیایی یهودی که دو ماه در اردوگاه آشویتس اسیر بود و بعد از جنگ خاطراتش از این اردوگاه را نوشت.

۴۵۵. نویسنده فرانسوی و از اعضای نهضت مقاومت که کتابی درباره تجربیاتش از اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نوشته است.

456. *Shoah*

457. *Le Traité des caresses*

۴۵۸. ژرار لولو؛ پزشک و متخصص مسائل جنسی

459. Canal+

460. *le curé de Camaret*

۴۶۱. سیاستمدار و فعال حقوق بشر لهستانی که در سال ۱۹۸۳ برندهٔ جایزه صلح نوبل شد و در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ رئیس‌جمهور این کشور بود.

۴۶۲. عبارتی از عیسی مسیح، که در انجیل متی در بخش راه رفتن بر روی آب خطاب به حواریون بر زبان می‌آورد.

۴۶۳. جنبش مدرسهٔ رایگان با حمایت مدارس خصوصی کاتولیک

۴۶۴. منطقه‌ای در شمال اقیانوس اطلس در دریای کارائیب، شامل تعدادی کشور جزیره‌ای و آب‌های اطراف آنها

۴۶۵. au pair؛ وابسته به مبادلهٔ خدمت (مثلاً دختر فرانسوی که در انگلیس در ازای اتاق و خوراک با بچه‌ها فرانسه صحبت می‌کند).

۴۶۶. Une vie؛ اولین رمان موپاسان که زندگی زنی را از نوجوانی تا سالخوردگی روایت می‌کند.

۴۶۷. ludion؛ آزمایشی علمی که زنه دکارت مطرح کرد و طی آن یک شیء یا آدمکی را که در آن هوا وجود دارد درون بطری پرازآبی می‌گذارند. در حالت عادی آدمک روی آب می‌ماند، اما با فشار آوردن به بدنهٔ آدمک پایین می‌رود.

۴۶۸. در ۱۱ مه ۱۹۸۱، بعد از پیروزی میتران در انتخابات، در باستیل گردهمایی مردمی برگزار می‌شود که در آن میشل روکار سخنرانی می‌کند.

۴۶۹. فوکو در ۱۹۸۴ مرد. در ابتدا لیبراسیون علت آن را ایدز اعلام می‌کند، اما روز بعد در گزارش روزنامهٔ لوموند با اعمال نظر خانواده اشاره‌ای به ایدز نمی‌شود.

470. *Les Choses de la vie*

471. *Les Jeunes Années d'une reine*

۴۷۲. *Les Mots et les choses*؛ با نام کامل الفاظ و اشیا: باستان‌شناسی علوم انسانی کتابی است از میشل فوکو.
۴۷۳. *cohabitation*؛ از آنجا که انتخاب نخست‌وزیر نیاز به رأی مجلس دارد، در وضعیتی که رئیس‌جمهور از حزب سیاسی متفاوت با اکثریت اعضای مجلس باشد، دولت دچار دوگانگی می‌شود که به آن همزیستی می‌گویند.
۴۷۴. UTC؛ مشاغلی که نوعی کارآموزی بودند، در دوره‌های حداکثر شش ماهه و نصف حداقل دستمزد به آنها تعلق می‌گرفت.
۴۷۵. لوران فابیوس؛ نخست‌وزیر فرانسه از ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶
۴۷۶. افسر نظامی کمونیست و آخرین رئیس دولت جمهوری خلق لهستان
۴۷۷. *Rainbow Warrior*؛ نام یک کشتی که در ۱۹۸۵ با عملیات بمب‌گذاری سرویس‌های امنیتی فرانسه غرق شد.
۴۷۸. دیپلمات‌های فرانسوی
۴۷۹. *Chronique de la haine ordinaire*؛ برنامه طنز کوتاه که قبل از اخبار ساعت هفت از شبکه فرانس اینتر پخش می‌شد.

480. antimilitarisme

۴۸۱. *Déserteur*؛ این ترانه، که تا چند سال ممنوع بود، ماجرای نامه‌ای است به رئیس‌جمهور از زبان کسی که به خدمت فراخوانده شده اما نمی‌خواهد برود.
۴۸۲. کمونیست و تروریست ونزوئلایی
۴۸۳. *La semaine sanglante*؛ به ۲۱ تا ۲۸ ماه مه ۱۸۷۱ گفته می‌شود که طی آن کمون پاریس سرکوب می‌شود.
۴۸۴. کارآفرین فرانسوی که در ۱۷ نوامبر ۱۹۸۶ به دست گروه اکسیون دیرکت ترور شد.

۴۸۵. رنه اودران؛ مسئول فروش تسلیحات ارتش فرانسه که در ۱۹۸۵ به دست گروه اکسیون دیرکت ترور شد.
۴۸۶. Action directe؛ گروه تروریستی چپ فرانسوی که بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۷ بیش از هشتاد حمله و ترور انجام داد.
۴۸۷. Devaquet؛ لایحه‌ای که آلن دواکه در دولت شیراک در ۱۹۸۶ ارائه داد و قرار بود از جمله دانشگاه‌ها را در مورد وضع شهریه‌های اضافی مختار کند.
۴۸۸. Petit navire؛ ترانه‌ای که به رغم محتوای خشنش ترانه‌ای کودکانه است؛ درباره ملوانی که به دلیل قحطی در کشتی بقیه تصمیم می‌گیرند او را بخورند و او به درگاه مریم مقدس دعا می‌کند و در آخر نجات پیدا می‌کند.
۴۸۹. روزنامه‌نگار فیگارو که روزنامه‌ای محافظه‌کار به حساب می‌آید.
۴۹۰. voltigeurs de la police؛ واحدی از پلیس ضدشورش که در ۱۹۶۹ شکل گرفت، اما بعد از مرگ مالک اوسین منحل شد.
۴۹۱. le Bébête Show؛ برنامه طنز سیاسی عروسکی

492. TF1

493. Voyage voyage

۴۹۴. Tonton؛ لقب فرانسوا میتران
۴۹۵. glasnost و perestroïka؛ به ترتیب عنوان برنامه اصلاحات اقتصادی و برنامه گسترش آزادی سیاسی گورباچف
۴۹۶. به فیلم زندگی رودخانه‌ای آرام است اشاره دارد، محصول ۱۹۸۸، که درباره درگیری این دو خانواده است.
۴۹۷. Kanaks؛ به اهالی بومی کالدونیای جدید گفته می‌شود که مجموعه جزایری است تحت سلطه فرانسه در اقیانوس آرام.

۴۹۸. در ۱۹۸۸ دو روز مانده به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، در جزیره اوویا گروه استقلال طلب کاناک تعدادی ژاندارم را به گروگان گرفتند. در چهارم مه، هم‌زمان با آزاد شدن گروگان‌ها در لبنان، عملیات برای آزاد کردن گروگان‌ها در اوویا شروع می‌شود.

۴۹۹. قضیه به وحید گرجی، دیپلمات ایرانی، مربوط می‌شود که قرار بود با گروگان‌های لبنان معاوضه شود و فرانسوا میتران به درخواست شیراک در چشم او نگاه می‌کند و می‌گوید که بله، شیراک به او گفته است که اسناد مجرمیت گرجی موجود است، درحالی‌که چنین مدارکی وجود نداشته است.

۵۰۰. RMI؛ کمک هزینه‌ای که از ۱۹۸۸ تحت شرایطی به افراد بدون درآمد تعلق می‌گرفت.

۵۰۱. Rhône-Poulenc؛ شرکت صنایع شیمیایی

۵۰۲. قضیه مربوط به سه دختر مسلمانی است که به دلیل داشتن حجاب در ۱۹۸۹ از مدرسه اخراج شدند و اولین مورد از مسئله حجاب در مدارس فرانسه است.

۵۰۳. nouveaux Russes؛ به طبقه‌ای گفته می‌شود که در دهه ۱۹۹۰ پس از سقوط شوروی به ثروت رسیدند.

۵۰۴. تنیس‌باز آمریکایی اصالتاً چینی که در ۱۹۸۹ قهرمان تنیس آزاد فرانسه شد.

۵۰۵. برادرزاده فرانسوا میتران و تهیه‌کننده و کارگردان

۵۰۶. شهری که انقلاب لهستان از آنجا به رهبری لخ والسا، کارگر کارخانه کشتی‌سازی، آغاز شد، انقلابی که منجر به فروپاشی نظام کمونیستی شد.

۵۰۷. خوانندهٔ اپرا
۵۰۸. دیرکل حزب کمونیست آلمان شرقی که در ۱۹۸۹، یک ماه پیش از فروپاشی دیوار برلین، مجبور به استعفا شد.
۵۰۹. *Clemenceau*؛ ناو هواپیمابر فرانسوی
۵۱۰. اشاره دارد به سیاست مماشات قدرت‌های اروپایی در برخورد با هیتلر قبل از شروع جنگ جهانی دوم، که امضای توافق‌نامهٔ مونیخ در ۱۹۳۸ و واگذاری بخشی از چکسلواکی به آلمان نتیجهٔ آن بود.
۵۱۱. *frappes chirurgicales*؛ حمله‌ای که خسارات جانبی‌اش به بخش‌های غیرنظامی اندک یا صفر باشد.
۵۱۲. *Tempête du désert*؛ عملیات نظامی آمریکا و چندین کشور دیگر برای پایان دادن به اشغال کویت که در تصرف عراق بود.
513. *La Grosse Bertha*
514. *mère des batailles*
515. *Capri c'est fini*
516. *Marie Claire*
۵۱۷. *poupées russes*؛ یا ماتریوشکا، عروسک‌های چوبی که به شکل تودرتو در هم جا می‌گیرند.
518. *Solitude*
۵۱۹. *Vie et destin*؛ یا زندگی و سرنوشت
۵۲۰. *GIA*؛ از گروه‌های درگیر در جنگ داخلی الجزایر
۵۲۱. *Maastricht*؛ پیمان اتحادیهٔ اروپا که در ۱۹۹۲ در شهر ماستریخت امضا شد و منجر به تشکیل اتحادیهٔ اروپا و خلق واحد پول مشترک یورو شد. این معاهده که متن آن را میتران و سران یازده کشور اروپایی امضا کردند در

۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲ در فرانسه به همه‌پرسی گذاشته شد و با «آرّه ضعیف» به تصویب رسید. حزب سوسیالیست موافق و حزب کمونیست مخالف آن بودند.

۵۲۲. سیاستمدار سوسیالیست که از ۱۹۹۲ تا شکست جناح چپ در انتخابات مجلس در سال بعد نخست‌وزیر فرانسه بود. او، که در رسانه‌ها متهم شده بود به یکی از دوستانش برای خرید آپارتمان وام داده است، یک ماه بعد خودکشی کرد.

۵۲۳. در خاک سپاری برگوا، میتران می‌گوید رقیبان سگ‌ها را به جان نخست‌وزیرش انداخته بودند.

۵۲۴. Anomie؛ در جامعه‌شناسی به وضعیتی گفته می‌شود که مفاهیم و ارزش‌های مشترک قدیمی دیگر قابل درک نیستند.

۵۲۵. *Allô Macha*؛ برنامه‌ای رادیویی که از ۱۹۷۷ هر شب پخش می‌شد. برنامه بیشتر به درد دل تلفنی مخاطبان اختصاص داشت.

۵۲۶. شهری در ایل دوفرانس که فرودگاه شارل دوگل در آن قرار دارد.

۵۲۷. *Foule sentimentale*؛ ترانه‌ای در نقد جامعه مصرفی

۵۲۸. نویسنده و عکاس که در سی‌وشش سالگی در اثر ایدز درگذشت.

529. Fun Radio

۵۳۰. Doc؛ نام مستعار پزشکی که مجری رادیو و تلویزیون هم بود.

۵۳۱. نام مستعار مجری همین برنامه رادیویی

532. Le Réverbère

۵۳۳. *La Rue*؛ این نشریات در حمایت از افراد بی‌خانمان تولید و به واسطه خود آنها به فروش می‌رسد.

۵۳۴. سیاستمدار سوسیالیست

۵۳۵. ادوار بالادور که در دور اول انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۵ نفر سوم شد.
۵۳۶. نماینده حزب سوسیالیست که در دور اول آرای بیشتری از شیراک کسب می‌کند اما در دور دوم شکست می‌خورد.
۵۳۷. چون تعداد آرای ژوسپن در نظرسنجی‌ها بالاوپایین می‌شده، به او لقب یویو داده بودند.
۵۳۸. نامزد حزب کمونیست
539. *The Rhythm of the Night*
۵۴۰. فردای انتخابات آن سال که شیراک در آن پیروز می‌شود، ۸ مه بوده که سالگرد پایان جنگ جهانی دوم و تعطیل رسمی است.
۵۴۱. Bécane؛ در ترجمه، دو معنی این کلمه، دوچرخه و کامپیوتر، از دست رفته است.
542. *Arrêt sur images*
۵۴۳. *X-files*؛ مجموعه تلویزیونی علمی تخیلی آمریکایی
544. *C'est arrivé près de chez vous*
۵۴۵. *le thon c'est bon*؛ شعار برنامه‌ای تبلیغاتی
546. Sanibroyeur SFA
547. *Les Fous du volant*
۵۴۸. فرانسیس زگو؛ مجری تلویزیون
۵۴۹. خالد کلکال که متهم بود در بمب‌گذاری‌های ۱۹۹۵ فرانسه دست داشته است. او، درحالی‌که در جنگل محاصره شده بود، کشته شد.
۵۵۰. Rosiers؛ حمله تروریستی در این خیابان مربوط به سال ۱۹۸۲ است.

۵۵۱. طبق این طرح قرار بود اصلاحات بالادور در خصوص حقوق بازنشستگی و تأمین اجتماعی، که در بخش خصوصی اعمال شده بود در مورد کارمندان دولت نیز اعمال شود. آلن ژوپه سیاستمداری راست‌گراست و در دولت شیراک نخست‌وزیر بود.
۵۵۲. پیر بورديو در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ به نفع اعتصاب‌کنندگان در ایستگاه لیون در پاریس سخنرانی کرد و از تخریب یک تمدن انتقاد کرد.
۵۵۳. شهری که میتران از ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۱ شهردار آن بود.
۵۵۴. ژان لویی دبره؛ از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ در دوران ریاست جمهوری ژاک شیراک وزیر کشور بود.
۵۵۵. روزنامه‌نگار و فعال سیاسی سیاه‌پوست آمریکایی که در ۱۹۸۱ به اتهام قتل افسر پلیس در شهر فیلادلفیا بازداشت شد و هنوز در زندان است.

556. M6

۵۵۷. Pacs؛ یکی از دو شکل زندگی مشترک است که نسبت به ازدواج انعطاف بیشتری دارد و در ۱۹۹۹ تصویب شد.
۵۵۸. Politiquement Correct؛ رفتار کردن و سخن گفتن به شکلی که به اقلیت‌های نژادی و مذهبی و غیره برنخورد.
۵۵۹. نویسندهٔ فرانسوی
۵۶۰. روزنامه‌نگار و مجری تلویزیون
۵۶۱. مجری تلویزیون
۵۶۲. CMU؛ در ۱۹۹۹ تصویب شد.
۵۶۳. AltaVista؛ موتور جست‌وجوی اینترنتی که در ۱۹۹۵ راه‌اندازی شد و تا پیش از گوگل رواج داشت.

564. Téléfoot

565. *Sea Sex and Sun*

566. *Sue perdue dans Manhattan*

567. *Claire Dolan*

۵۶۸. *Vie de Henry Brulard*؛ زندگی نامه خودنوشت استاندال

۵۶۹. مدت زمانی که خورشید برای یک بار گردش حول مرکز کهکشان راه شیری به آن نیاز دارد.

۵۷۰. در مکاشفات یوحنا چهار سوار در آخرالزمان آزاد می‌شوند. سوار با اسب سفید اولین آنهاست.

۵۷۱. directives européennes؛ اهدافی که در اتحادیه اروپا تصویب می‌شود و کشورهای عضو باید آن را محقق کنند.

۵۷۲. مسافران این هواپیما راهی نیویورک بودند تا سوار یک کشتی تفریحی شوند، که هواپیما بلافاصله پس از برخاستن از فرودگاه شارل دوگل سقوط می‌کند.

573. *Loft*

574. *La Vie sexuelle de Catherine M*

۵۷۵. dizaine de chapelet؛ دعایی است که با تسبیح خوانده می‌شود و شامل چند دعای مختلف است.

۵۷۶. بخشی از سرودی مذهبی

۵۷۷. *Astérix*؛ مجموعه کتاب‌های کمیک فرانسوی

۵۷۸. پیرزنی که به دلیل چهره خاصش در فیلم‌های تبلیغاتی بازی می‌کرد.

۵۷۹. sangria؛ نوشیدنی الکلی اسپانیایی، ترکیبی از شراب قرمز و تکه‌های میوه

۵۸۰. نماینده حزب مبارزه کارگری در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۲ که حزبی تروتسکیست است.

۵۸۱. نماینده حزب چپ رادیکال در انتخابات آن سال
۵۸۲. Papy Voise؛ پیرمردی مستمری بگیر که دو روز قبل از انتخابات دو جوان اموالش را دزدیدند و کتکش زدند و قبل از فرار خانه‌اش را به آتش کشیدند. این اتفاق به دلیل پوشش گسترده تلویزیونی بر انتخابات سال ۲۰۰۲ فرانسه اثر گذاشت؛ به این ترتیب که با انگشت گذاشتن بر مسئله امنیت باعث شد نامزد سوسیالیست حذف شود و نامزد جبهه ملی رأی بیاورد.
۵۸۳. این شعار در متن به انگلیسی و اسپانیایی هم آمده است.
۵۸۴. اشاره به درصد رأی لوپن
۵۸۵. Chichi؛ لقب ژاک شیراک
۵۸۶. SOS Racisme؛ انجمنی که در ۱۹۸۴ تشکیل شد و هدف از تأسیس آن مبارزه با نژادپرستی و... بود.
۵۸۷. لقب تیم‌های ملی فرانسه
۵۸۸. شعار تبلیغاتی خرده‌فروشی اوشان
۵۸۹. جامعه‌شناس

590. *Sois belle et tais-to i*

591. wearables

۵۹۲. travail de deuil؛ از اصطلاحات فروید در مقاله ماتم و ماخولیا که اشاره به روند سوگواری دارد.

593. *je me souviens*

۵۹۴. نسلی که در حد فاصل سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۶۴ با افزایش میزان زادوولد در بسیاری از کشورهای جهان پا گرفت.
۵۹۵. روز برگزاری دور اول انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۲ فرانسه و اصطلاحی است برای اشاره به ضرورت دادن رأی مفید.

۵۹۶. منظور بندیکت شانزدهم است.
۵۹۷. ایستگاه قطاری در شهر مادرید؛ در جریان بمب‌گذاری ۲۰۰۴ در این ایستگاه ۱۹۱ نفر کشته شدند.
۵۹۸. عهدنامه‌ای برای تدوین قانون اساسی اتحادیه اروپا که فرانسه و هلند آن را رد کردند.
۵۹۹. به سه هفته شورش در شهرهای فرانسه در ۲۰۰۵ در پی مرگ دو نوجوان اشاره دارد.
۶۰۰. خبرنگاری که در ۲۰۰۵ هنگام پوشش خبری جنگ عراق ربوده شد و به مدت پنج ماه گروگان بود.
۶۰۱. در ژوئیه ۲۰۰۵، تعدادی حمله انتحاری در سیستم حمل‌ونقل لندن رخ داد. جدا از تروریست‌ها که چهار نفر بودند، ۵۲ شهروند بریتانیایی جان باختند.
۶۰۲. chikungunya؛ بیماری عفونی که با پشه به انسان منتقل می‌شود.
۶۰۳. Rungis؛ بازاری در حومه پاریس که مخصوص مواد غذایی است.
۶۰۴. اشاره به نشریه‌ای به شکل سالنامه که شامل اطلاعاتی درباره آب‌وهوا، جزرومد، و زمان کشت و... است.
۶۰۵. fébo fépabo؛ اشاره دارد به تصویرگرایی از لاک‌پشتی که وقتی هوا آفتابی باشد خوشحال است، وقتی ابری باشد توی لاکش می‌رود.
۶۰۶. جمله‌ای است از نیکولا سارکوزی.

607. Télérama

608. *Les Inrocks*

609. *Technikart*

610. *Six Feet Under*

611. *Vingt-quatre heures chrono*

۶۱۲. Ségo-Sarko؛ منظور رقابت سگولن رویال از حزب سوسیالیست و نیکولا سارکوزی در رقابت‌های ریاست جمهوری ۲۰۰۷ است.

۶۱۳. ordre juste؛ شعار انتخاباتی سگولن رویال

۶۱۴. Rezo.net؛ سایتی که مطالب را از منابع مختلف زبان فرانسوی گردآوری می‌کند.

۶۱۵. Acrimed؛ انجمنی برای رصد رسانه‌ها

۶۱۶. Clearstream؛ ماجرای فرار مالیاتی و پول شویی که در آستانه انتخابات ۲۰۰۷ پای بعضی از اعضای جناح راست را به میان کشید.

617. *La Fièvre du samedi soir*

۶۱۸. Nintendo؛ شرکت ژاپنی بازی‌های ویدئویی است و وی (Wii) کنسول بازی از شرکت نینتندو که از ۲۰۰۶ عرضه شد.

619. *Pléiades*

620. *Les Mandarins*

۶۲۱. آب‌نمایی در منطقه تروی در ایتالیا که بزرگ‌ترین فواره دوران باروک در رم را دارد.

۶۲۲. dégénérescence maculaire؛ شایع‌ترین علت کوری در افراد مسن

623. *one*

624. *Mourir d'aimer*

۶۲۵. شعری از آنا دونوآی

626. *Des gens sans importance*

۶۲۷. مکانی تاریخی در فینچلی

628. *Apache*

۶۲۹. قتل عام بن طلحه در ۱۹۹۷ در نزدیکی الجزایر رخ داد.
عکسی را که به نماد این کشتار تبدیل شده حسین زوارار
گرفته است.

۶۳۰. *pietà*؛ اشاره به سوگواری حضرت مریم بر تن بی جان
عیسی مسیح که اغلب در مجسمه سازی نمود یافته است.

۶۳۱. یا بناهای جدید؛ به مجموعه ای از اسکله ها در شمال
شهر ونیز گفته می شود.

632. *Les Armoires vides*

633. *Ce qu'ils disent ou rien*

634. *Les Armoires vides*

635. *La Place*

636. *Une femme*

637. *L'Événement*

638. *Passion simple*

639. *L'Usage de la photo*

640. *Le Monde des livres*

۶۴۱. نام قهرمان کتاب گنج‌های خالی

642. *autofiction*

643. *La Gloire de mon père*

۶۴۴. معشوق آنی ارنو و همکارش در نوشتن کاربرد عکاسی،
کتابی مشتمل بر چهارده عکس و نظرات آن دو درباره
این عکس‌ها.

۶۴۵. *Se perdre*؛ در ۲۰۰۱ چاپ شده و دفتر خاطراتی است که
شیفتگی صرف از دل آن بیرون آمده است.

۶۴۶. *Journal du dehors*؛ کتابی است دربارهٔ چیزهایی که نویسنده از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲ در مترو یا مراکز فروش دیده است.

۶۴۷. بارت در کتاب اتاق روشن از این عبارت برای توصیف ماهیت عکس استفاده می‌کند. به این معنا که عکس گواهی است بر آنچه زمانی وجود داشته است.

648. *Âmes et corps*

649. *Les Héritiers*

650. *La Reproduction*

651. *La Distinction*

652. *La Vie extérieure*